

پنجشنبه • ۱۷ دی ۱۳۹۴ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۸۹ • ۹

روزنامه شرق	
رسانه	
	
راهی تازه برای مرتبط ساختن دانشمندان ایران و جهان	صفحه ۱۰
مروری بر تلاش دانشمندان برای درک جهان وقوانین حاکم بر آن	صفحه ۱۱
تجربه‌های زنانه از کسب قدرت سیاسی	صفحه ۱۲

کتاب
 جایگاه رسانه‌های جایگزین در روزنامه‌نگاری شبکه‌ای سعید ارکان زاده‌بیزدی

انقلاب فناوری ارتباطات و اطلاعات به ظهور اینترنت منجر شد و اکنون ترکیب اینترنت و مخابرات به تلفن‌های همراه هوشمند ختم شده است. در چنین فضایی، رسانه‌هایی که مخاطب توده‌ای دارند منحصr به رسانه‌های جریان اصلی نیستند. در آخرین سال قرن گذشته رسانه‌های جایگزین در قالب وب‌سایت‌های خبری خارج از جریان اصلی رسانه‌ای جهان متولد شدند و به‌تدریج شبکه‌های اجتماعی و ابزار پیام‌رسان موبایلی نیز به خیل رسانه‌های جایگزین پیوستند. این روزها رسانه‌های جایگزین به رقیبای قدرتمندی برای رسانه‌های جریان اصلی مثل روزنامه‌ها، تلویزیون‌ها، رادیوها و خبرگزاری‌ها تبدیل شده‌اند و بر روند کاری حرفه‌ای آنها نیز تأثیر گذاشته‌اند. آنسگارد هاینریش، نویسنده کتاب «روزنامه‌نگاری شبکه‌ای» که آن را در سال ۲۰۱۱ در انتشارات راتلج منتشر کرده، به‌خوبی اثراتی را که رسانه‌های جایگزین بر رسانه‌های جریان اصلی داشته‌اند، برشمرده است. او در کتاب خود اشاره کرده که برخلاف قرن بیستم که تولید و انتشار اخبار به وسیله بازگیران محدودی شامل روزنامه‌نگاران، مقامات رسمی و روابط‌عمومی‌ها با جریان یک‌طرفه بالا به پایین در یک سیستم بسته انجام می‌شد، در قرن بیستم‌وکم اوضاع تفاوت کرده و خبرنگاران آزاد، مخاطبان و دیگر افراد با استفاده از فناوری‌های نوین و اتصال به یکدیگر، انحصار نهادهای سنتی خبررسانی را شکسته‌اند و در برخی موارد جریان اخبار را نیز در دست گرفته‌اند.

ظهور رسانه‌های نوین باعث سه تغییر در فضای رسانه‌ای جهان شده است؛ تعداد کسانی که خبر منتشر می‌کنند بسیار زیاد شده است و دریافت خبر محدود به خروجی رسانه‌های رسمی نیست. از سوی دیگر، تکتکر اطلاعات آنلاین منابع خبری بیشتری را در اختیار روزنامه‌نگاران قرار داده و نیز محیط آنلاین اجازه داده که روزنامه‌نگاران در آن واحد بدون اتلاف وقت بازخورد بگیرند و از همکاری فعال کاربران بهره‌مند شوند. این تغییرات که از رسانه‌های نوین ناشی شده باعث به‌وجودآمدن نوعی روزنامه‌نگاری شده است که هاینریش با الهام از مفهوم «جامعه شبکه‌ای» مانوئل کاستلر به آن «روزنامه‌نگاری شبکه‌ای» می‌گوید.

رسانه‌های نوین باعث شده‌اند که سطح تعامل با رسانه‌های جریان اصلی بالا برود. انواع آیرمتن‌ها بتوانند در رسانه‌های رسمی حضور داشته باشند و چندرسانه‌ای‌ها جای خود را در رسانه‌های جریان اصلی باز کنند. این تغییرات ساختاری در سازمان‌های خبری که از فناوری دیجیتال نشأت می‌گیرد، روش‌های جمع‌آوری اخبار را توسعه داده، روندهای تولید خبر را تغییر داده و بر شیوه‌های انتشار اخبار نیز تأثیر گذاشته است. این تغییریات ساختاری نه‌فقط برای رسانه‌های رسمی آنلاین مثل خبرگزاری‌ها بلکه برای همه رسانه‌هایی که در جامعه فعالیت می‌کنند رخ داده است.

روزنامه‌نگاری شبکه‌ای را می‌توان با دو خصوصیت اصلی بازشناخت؛ این نوع روزنامه‌نگاری مرکززدایی‌شده و غیرخطی است، منظور از مرکززدایی‌شدن این است که امروزه روزنامه‌نگاران دیگر تنها از منابع معتبر، محدود و رسمی اطلاعات را نمی‌گیرند تا به مخاطبان برسانند بلکه از مسیرهای متفاوتی اطلاعات خام و فراوری‌شده را به خروجی‌های روزنامه‌نگارانه منتقل می‌کنند و کاربران فعال بر این تبادل پیام، عکس، ویدئو و فایل تا تبادل لینک‌ها تأثیرگذارند. از سوی دیگر، جریان غیرخطی انتشار اخبار باعث می‌شود که فضا و گستره خبری در روزنامه‌نگاری شبکه‌ای نفوذپذیر و دارای خاصیت تراوایی باشد؛ به این معنی که اخبار در جهت‌های مختلفی منتشر می‌شوند و بازخوردها و اخبار مرتبط با آن می‌تواند دوباره به فضای خبری بازگردد. بنابراین در روزنامه‌نگاری شبکه‌ای امروزی، اطلاعات به صورت مرکززدایی‌شده دریافت و به صورت غیرخطی توزیع می‌شود و انواع بازخوردها نیز بر آن تأثیر می‌گذارد.

حال این سؤال پیش می‌آید که آیا روزنامه‌نگاری جریان اصلی در روزنامه‌نگاری شبکه‌ای تضعیف خواهد شد و جای خود را به روزنامه‌نگاری جایگزین خواهد داد؟ در جامعه‌ای که نظام رسانه‌ای‌اش درگیر روزنامه‌نگاری شبکه‌ای شده، وقتی که دولت‌ها نمی‌خواهند یک خبر منتشر شود، مثل دوران گذشته، رسانه‌های حرفه‌ای را از انتشار خبری باز می‌دارند. در این مواقع یک شکاف اطلاعاتی به وجود می‌آید که رسانه‌های جایگزین به‌جای رسانه‌های جریان اصلی آن را پر می‌کنند. در عمل، هرچه دولت‌ها دروازه‌های خبری را محکم بگیرند باز هم اخبار به بیرون درز می‌کنند. اما مسئله‌ای که باقی می‌ماند اعتبار اخباری است که رسانه‌های جایگزین منتشر می‌کنند. در عصر اطلاعات و روزنامه‌نگاری شبکه‌ای، رسانه‌های جریان اصلی و جایگزین در قالب گره‌های مختلف یک شبکه به‌هم متصل هستند و در اتفاقی که در یک گره رخ دهد، بر گره‌های دیگر نیز تأثیر می‌گذارد. اما درعین‌حال، در جریان غیرخطی و تمرکززدایی‌شده روزنامه‌نگاری شبکه‌ای، کار گره‌هایی که در قالب رسانه‌های حرفه‌ای عمل می‌کنند این است که منابع معتبر را شناسایی کنند و محتوای بارزش از غیرمفید را تشخیص دهند. دراین‌میان، اگر یک گره که یک رسانه جایگزین است اطلاعاتی را منتشر کند، می‌تواند بر محتوای گره‌های دیگر که رسانه‌های جریان اصلی می‌توانند باشند تأثیر بگذارد اما گره‌های دیگر نیز باید خود به راستی آزمایی و دروازه‌بانی اطلاعات دیگر گره‌ها دست بزنند. بنابراین رسانه‌های جایگزین انواع اطلاعات را منتشر می‌کنند اما رسانه‌های جریان اصلی برخی از این اطلاعات را که به صحتش اعتماد دارند تقوت می‌کنند و دوباره نشر می‌دهند؛ نه همه آن اطلاعات را.

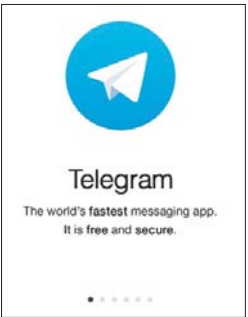
روزنامه

رسانه

راهی تازه برای مرتبط ساختن دانشمندان ایران و جهان
مروری بر تلاش دانشمندان برای درک جهان وقوانین حاکم بر آن
تجربه‌های زنانه از کسب قدرت سیاسی

گزارش
 رقابت تلگرام با واتساپ

مسئولان نرم‌افزار موبایلی تلگرام در ماه فوریه گذشته اعلام کردند که این اپلیکشن ۳۵میلیون کاربر ماهانه و ۱۵میلیون کاربر روزانه دارد. در اکتبر سال گذشته در حدود صد هزارنفر به کاربران تلگرام افزوده شدند. با وجودی که میزان استقبال از اپلیکیشن تلگرام قابل‌توجه بوده، این اپلیکیشن هنوز در مقایسه با واتساپ کاربران چندانی ندارد هرچند گردانندگان آن معتقدند کاربرانشان به‌سرعت در حال افزایشند. آنها روی امنیت کاربران در این شبکه تأکید دارند و می‌گویند امنیتی که آنها برای کاربرانشان تأمین می‌کنند به‌هیچ‌وجه با امنیت موجود در واتساپ قابل مقایسه نیست. اما این سؤال مطرح می‌شود که آیا تلگرام به‌واقع فضای امنی است؟ تلگرام امکان گفت‌وگوی محرمانه یا secret chat را برای کاربران خود تدارک دیده است که حتی سرورهای تلگرام نیز قادر به رصدکردن آنها نیستند. درحال‌حاضر کمپانی تلگرام برای کسی که بتواند امنیت فضای گفت‌وگوهای محرمانه را زیر سؤال ببرد و ثابت کند که محتوای این گفت‌وگوها قابل‌دستیابی است، چندصد هزار دلار جایزه در نظر گرفته است. در سال ۲۰۱۵، شرکت امنیتی



غیرانتفاعی Electronic Frontier Foundation رتبه ۴ از ۷ را به بخش پیام‌رسان و رتبه ۲ از ۷ را به بخش گفت‌وهای محرمانه یا secret chat را به این نرم‌افزار داد. کاربران تلگرام می‌توانند پیام‌ها، تصاویر، ویدئوها و اسناد خودپیرانگر و رمزنگاری‌شده را تبادل کنند. کاربران نرم‌افزار امکان تبادل پیام، عکس، ویدئو و فایل تا حجم ۱.۵ گیگابایت را دارند. تلگرام توسط دو برادر با نام‌های پاول دورف و نیکلای دورف به بازار آمد. پاول دورف برادر کوچک نیکلای دورف است و سازمان غیرانتفاعی کارافرینی در آلمان دارد که پشتیبان مالی پروژه است. تلگرام توسط یک سازمان غیرانتفاعی آلمانی متعلق به کارآفرین و نیکوکار روس، پاول دورف، اداره می‌شود. همه نرم‌افزارهای رسمی تلگرام (و چند نرم‌افزار غیررسمی) متن‌باز هستند. هرچند، نرم‌افزار سمت سرور تلگرام منطبق است. پاول دورف گفته است کد سرور نرم‌افزار آزاد نیست زیرا معماری تلگرام نیاز دارد دوباره طراحی شود تا به سرورهای مستقل اجازه دهد مانند یک ابر تلگرام متحد کار کند. هیچ‌یک از نگارش‌های تلگرام اعم از



عکس: رونقه رستمی، شرق

گفت‌وگو با محمد مهدی فرقانی درباره تأثیر ابزارهای ارتباطی نوین بر فعالیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران

رسانه نباید تحت تأثیر شبکه اجتماعی باشد

نگار حسینی

هم صرفا تولیدات شبکه‌های اجتماعی را بازنشر کنند، حقیقت را چگونه باید کشف کرد و آیا دیگر چیزی به نام حقیقت معنادار است؟ پس یک بخش، الزام‌هاست و یک بخش دیگر هم این است که براساس اصول روزنامه‌نگاری حرفه‌ای، روزنامه‌نگار باید از آزادی‌های لازم برای کسب و انتشار اطلاعات و نیز آزادی بیان و قلم برخوردار باشد، اما درعین‌حال او در قبال آنچه منتشر می‌کند مسئول است. یعنی حق ندارد دروغ را به‌جای حقیقت تحویل مخاطبان بدهد، حق ندارد خبری را بدون تحقیق منتشر کند یا ابرو و حیثیت کسی را بربرد یا به حريم خصوصی کسی وارد شود و تهمت بزند؛ اما در فضای شبکه‌های مجازی به‌وقوع چنین مواردی دیده می‌شود. بنابراین باید ببینیم روزنامه‌نگار ما که‌جا ایستاده است؟ روزنامه‌نگار و مدیر مطبوعات و سردیر چقدر روزنامه‌نگاران را به کشف حقیقت، ترغیب یا ملزم کرده‌اند و اساسا این موضوع چقدر دغدغه خودشان بوده است؟

✎ اتفاقی که در فضای روزنامه‌نگاری ایران رخ داده و باعث شده امروز آنچه در تلگرام منتشر می‌شود منبع خبر خبرنگار باشد چه بوده است؟

اگر قرار باشد مخاطب در روزنامه چیزی بخواند که در تلگرام آن را دیده، چرا باید هزینه خرید روزنامه را متقبل شود؟ حتی شما گاهی می‌بینید که رسانه‌ای مانند تلویزیون هم کمابیش تحت‌تأثیر فضای شبکه است. چرا؟ تلویزیون که یک رسانه رسمی حکومتی است و باید در این موارد روایت درست رویداد را بازگو کند. اگر تلاش مستقل رسانه وجود نداشته باشد، ضرورتی به وجود رسانه نیست. **✎ چرا اینجا ایستاده‌ایم؟ چرا روزنامه‌نگار خودش را به دوجی که در تلگرام ایجاد شده است می‌سپارد و رسانه رفته‌رفته تأثیر خود را از دست می‌دهد؟**

بخشی از این اتفاق مربوط به گسترش تکنولوژی است و در همه‌جای دنیا هم کمابیش اتفاق می‌افتد. اما واقعیت این است که در ایران روزنامه‌نگاری هنوز تبدیل به یک حرفه نشده است. وقتی می‌توانیم بگوییم روزنامه‌نگاری حرفه است که روزنامه‌نگار به صورت تضمین‌شده معیشت خود را از طریق انجام وظایف و مسئولیت‌هایش در این حرفه تأمین کند و از طرف دیگر ضوابط و مقررات شناخته‌شده حقوقی نیز بر این حرفه حاکم باشد. یعنی هم حقوق روزنامه‌نگار در چارچوب قانون تضمین شود و هم روزنامه‌نگار در قبال حقوقی که از آنها برخوردار است، پاسخ‌گو باشد. باید تشکل صنفی و قوانینی وجود داشته باشد که آزادی و حقوق روزنامه‌نگار را تضمین کنند. ولی هیچ‌کدام از اینها به‌درستی رخ نداده است. من متاسفم که می‌بینم برخی مدیران مطبوعات و خبرنگارهای و حتی گاه تلویزیون از طریق جذب رپرتاژ آگهی از سازمان‌های دولتی و غیردولتی به‌دنبال تأمین هزینه‌ها هستند. غافل از اینکه این کار چقدر به استقلال و مسئولیت اجتماعی آنها و نیز به باور مخاطب لطمه می‌زند و این کار چه اندازه تجاوز به حقوق مخاطب است. مخاطب باید بتواند به رسانه با همه پیشینه و اعتبارش اعتماد کند که اگر اعتماد کند و این مدل رپرتاژها در صفحات روزنامه منتشر شود، به آن اعتماد خیانت شده و اگر اعتماد نکند، رسانه از دست رفته است. مشاهده می‌شود که برخی مدیران مطبوعات یا خبرنگارهای اصرار می‌کنند که در ازای دریافت مبلغی در هفته چند صفحه به سازمان‌های دولتی یا غیردولتی بدهند و آنها هر محتوایی را خواستند منتشر کنند و معتقدند اگر این کار را نکنند باید تعطیل شوند. من با همه ۴۴ سال سابقه‌ام در این حوزه، ترجیح می‌دهم که یک روزنامه یا خبرگزاری یا ایستگاه رادیو- تلویزیونی تعطیل شود اما از این طرق نامشروع برای حفظ حیات استفاده نکند. در اصول اخلاق حرفه‌ای آمده است که رسانه‌ها حق ندارند آگهی را طوری منتشر کنند که با محتوای تولیدی‌شان، برای مخاطب قابل‌تشخیص نباشد اما در عمل این اتفاق رخ می‌دهد. درواقع می‌خواهم بگویم ما فاقد یک ساختار روزنامه‌نگاری حرفه‌ای هستیم و در نتیجه این اتفاقات در آن تشدید می‌شود.

✎ یکی از تولیدات شبکه‌هایی مانند تلگرام احتمالا شهروند- خبرنگارها هستند. نظر شما در این باره چیست؟

همان حکمی که در مورد تلگرام گفتیم، در مورد شهروند- خبرنگار هم صادق است. شهروند- خبرنگار به چند دلیل برای همه شهروندان یک فرصت عالی است. اول حضور در هر لحظه و شاهد و ناظر زنده و روایتگر مستقیم‌بودن است که برای بسیاری از خبرنگاران حرفه‌ای هم چنین پوششی ابدا امکان‌پذیر نیست. بعد هم اینکه منافع فردی، سازمانی، سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و وابستگی به قدرت و ثروت و شهروندان عادی هیچ‌گاه به پای رسانه‌ها و نهاد و سازمان رسانه‌ای نمی‌رسد. این است که شهروند-خبرنگارها می‌توانند روایت کم‌درست‌کاری‌شده‌ای از ماجراها ارائه کنند. از سوی دیگر از طریق فناوری‌های ارتباطی جدید شاهد شهروندان سخنگو هستیم؛ شهروندانی که قدرت اظهار و بیان دارند درحالی‌که در گذشته این قدرت در انحصار رسانه‌ها بود و آنها بودند که بر اساس برخی منافع تصمیم می‌گرفتند چه صدایی منتشر شود. این یک فرصت بی‌بدیل است اما به همان دلایلی که در مورد تلگرام گفتم در مورد امکان شایعه‌سازی و متخصص نبودن در جست‌وجوی حقیقت- که روزنامه‌نگاران برای این کار آموزش دیده‌اند- لازم است شهروند - خبرنگاری را از روزنامه‌نگاری حرفه‌ای جدا کرد.



گفت‌وگو با محمد مهدی فرقانی درباره تأثیر ابزارهای ارتباطی نوین بر فعالیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران

رسانه نباید تحت تأثیر شبکه اجتماعی باشد

نگار حسینی

غالبا سطحی و سرگرم‌کننده‌اند. البته بررسی‌ها نشان می‌دهد که در همه‌جای دنیا چنین است. به نظر می‌رسد در فضایی مانند تلگرام بیش از آنکه به تولید دانش و آگاهی پرداخته شود، برای افراد سرگرمی ایجاد می‌شود. این البته به این معنا نیست که هرچه در تلگرام منتشر می‌شود کارکردی ندارد اما در مجموع تولیدات این ابزار به سمت تولید یک انسان تک‌ساختی سطحی پیش می‌رود. چیزی که مارکوزه درباره رسانه‌ها مطرح می‌کند، حالا درمورد شبکه‌های اجتماعی و اپلیکیشن‌های موبایل خیلی پررنگ‌تر قابل طرح است. یکی از موارد دیگری که در این فضا به چشم می‌خورد رعایت‌نشدن حریم خصوصی افراد است. یا اینکه گاه‌وبگاه و در ساعات استراحت پیام می‌رسد و آسایش افراد سلب می‌شود.

✎ گذشته از صحبت‌هایی که کردید، اتفاق عمومی دیگری که در این فضا می‌افتد، ایجاد شایعه است و شهروندان به‌واسطه آنها به‌سادگی در دام شایعه می‌افتند. این‌طور نیست؟

همین‌طور است. خبرهای زیادی در این فضا منتشر می‌شود که بعدا معلوم می‌شود کذب محض بوده است. نمونه‌های زیادی وجود دارد که خبر مرگ و رفتن‌آمدن افراد و بیماری آنها منتشر شده و بعد معلوم شده بی‌اساس بوده است. یک نمونه دیگری که اخیرا رخ داده همان کشیده‌شدن بخیه چانه‌کودک اصفهانی بوده است. من شنیدم که داستان آن‌گونه که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، نبوده است. اما به نظر می‌رسد هنگامی که چیزی به این گستردگی در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود رسانه‌ها انگیزه‌ای برای تحقیق مستقل و کشف مستقل حقیقت ندارند و وقتی شبکه‌های اجتماعی خبری منتشر می‌کنند به‌طور معمول این خبر آن‌قدر گسترده است که جو فشار و اجباری ایجاد می‌شود که گویی رسانه‌ها نباید گفتمانی جز گفتمان شبکه‌های اجتماعی را بازتولید کنند؛ درنتیجه به بازنشر محتوای شبکه‌های اجتماعی روی می‌آورند. اما آیا حقیقت همان بوده است؟

✎ به‌هرحال ممکن است مردمی که خبرنگار نیستند و دانش روزنامه‌نگاری ندارند در این بازی گیر بیفتند اما چه‌شده که تلگرام برای مثال در همین موردی که به آن اشاره کردید، برای روزنامه‌نگاران هم منبع خبر شده است؟

به نظر می‌رسد هنگامی که چیزی به این گستردگی در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود رسانه‌ها انگیزه‌ای برای تحقیق مستقل و کشف مستقل حقیقت ندارند و وقتی شبکه‌های اجتماعی خبری منتشر می‌کنند به‌طور معمول این خبر آن‌قدر گسترده است که جو فشار و اجباری ایجاد می‌شود که گویی رسانه‌ها نباید گفتمانی جز گفتمان شبکه‌های اجتماعی را بازتولید کنند

-

اشاره کردم که از قرار معلوم خبر اصفهان به آن شکلی که در شبکه‌ها منتشر شده، صحت نداشته است. در چنین حالتی هنگامی که خبری بر این اساس منتشر می‌شود، با حقوق، آبرو و حیثیت ممکن است حتی کار به تعلیق و توبیخ و این مسئله درگیر هستند بازی می‌شود. چه‌جا کسی آن شب آن پزشک را پیدا می‌کرد و با چاقو به او ضربه می‌زد، چه کسی باید پاسخ‌گو می‌بود؟ اینجاست که معتقدم شبکه‌های اجتماعی هرگز قرار نیست جای رسانه‌های سنتی را کاملا پر کنند و آنها را به‌کلی از صحنه خارج کنند. من معتقدم طبیعی است رسانه‌های سنتی تغییر کارکرد، ماهیت و رفتار بدهند اما به دلیل چند عنصری که رسانه‌ها لازم است به آن وابسته باشند، شبکه‌های اجتماعی هرگز نمی‌توانند جای آنها را پر کنند. پابیندی به حقیقت، جست‌وجو و کشف حقیقت، پابیندی به اخلاق حرفه‌ای و جلب اعتماد مخاطبان، اعتبار و سرمایه یک رسانه به حساب می‌آید درحالی‌که در شبکه‌های اجتماعی الزامی در این موارد وجود ندارد. واقعیت این است که در رسانه‌های حرفه‌ای اگر هر یک از این موارد رعایت نشود، خبرنگار، متخلف و از چارچوب شرافت حرفه‌ای خارج شده است. اگر ارکان نظارتی کنترلی و مجازات‌کننده‌ای در کار باشد ممکن است حتی کار به تعلیق و توبیخ و جریمه خبرنگار بکشد اما در فضای شبکه‌های اجتماعی افراد حتی می‌توانند با هویت جعلی ظاهر شوند. اینجاست که این سؤال مطرح می‌شود که چرا مردم به رسانه‌ها اعتماد دارند؟ چون اولاً کار در یک رسانه حرفه است و فعالیت در یک شبکه اجتماعی حرفه نیست. حرفه به فعالیتی اطلاق می‌شود که دو ویژگی عمده داشته باشد: یکی اینکه تحت نظارت مقررات و قواعد خاص باشد که در نتیجه پاسخ‌گویی را به همراه دارد و دیگر اینکه نیاز به آموزش تخصصی داشته باشد. روزنامه‌نگار حرفه‌ای آموزش می‌بیند و تربیت می‌شود و الزام‌های حرفه‌ای در کنار یک مسئولیت اجتماعی ترکیب مقدسی را می‌سازند. این به آن معناست که خبرنگار باید تابع اصول اخلاق حرفه‌ای و مقررات شغلی باشد و اگر خبر لازم است روشن، دقیق، جامع و معتبر باشد یعنی خبرنگار حق ندارد هرچیزی که می‌شود را به‌عنوان خبر منتشر کند. این است که مخاطب به رسانه و به خبرنگار اعتماد می‌کند و وقتی خبر در تلگرام یا فضای اجتماعی منتشر می‌شود مخاطبان در رادیو و تلویزیون و روزنامه به دنبال تأیید آن می‌گردند. اگر قرار باشد خبرنگارها



گفت‌وگو با محمد مهدی فرقانی درباره تأثیر ابزارهای ارتباطی نوین بر فعالیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران

رسانه نباید تحت تأثیر شبکه اجتماعی باشد

نگار حسینی

کافی است پیامی در تلگرام دست‌به‌دست شود تا خیلی سریع تبدیل شود به خبر. کاهی اوقات حجم تأثیرگذاری برخی پیام‌ها تا حدی است که حتی رسانه‌های حرفه‌ای نیز تحت‌تأثیر آن قرار می‌گیرند. نمونه چنین موردی ماجرای کشیدن بخیه چانه پسر بچه اصفهانی بود. داستان از یک پیام تلگرامی آغاز و آن‌قدر دامنه‌دار شد که رسانه‌ها هم بی‌آنکه به اندازه کافی در مورد واقعیت ماجرا تحقیق کنند اقدام به انتشار آن کردند و البته بعد معلوم شد ماجرا به شیوه‌ای که روایت شده، نبوده است. با «محمد مهدی فرقانی»، رئیس دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، در مورد ابزارهای ارتباطی نوین و تأثیر آن بر فعالیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران گفت‌وگو کرده‌ایم:

✎ به نظر می‌رسد این روزها افراد زیادی از ابزارهایی مثل تلگرام استفاده می‌کنند. آیا این ابزارهای پیام‌رسانی توانسته‌اند به گسترش اطلاعات در میان افراد جامعه کمک کنند؟

امکانات فناوریانه جدید مانند تلگرام، هم فرصت‌های بی‌بدیلی را پیش‌روی شهروندان گذاشته و هم درعین‌حال تهدیدهایی ایجاد کرده‌اند. درواقع این فناوری‌ها به‌مثابه هر دستاورد فناوریانه دیگر، هم چالش ایجاد می‌کنند و هم فرصت. به عقیده من در برابر این‌گونه ابزارها باید تلاش کرد از فرصت‌ها بیشترین بهره را برد و تهدیدها را به حداقل رساند. فضای تلگرام با امثال آن- به‌خصوص در جامعه‌ای مانند ایران که خلا ارتباط و گفت‌وگو در آن دیده می‌شود- بالقوه یک ظرفیت ارتباطی کارآمد و مؤثر است. به دلایل مختلف سیاسی، تاریخی و فرهنگی، این نوع ظرفیت‌ها و امکانات در جامعه ایران مورد توجه و استقبال گسترده‌ای قرار می‌گیرند کمابیش فکر نمی‌کنم در هیچ‌جای دیگری از جهان به اندازه ایران و تا این حد و به این شکل از ظرفیت‌های تلگرام استفاده شود. واقعیت این است که تلگرام از ابتدا برای این منظور طراحی شد که به‌واسطه آن ارتباط گروهی محدود برقرار شود اما در عمل در بسیاری از موارد به یک شبکه نیمه‌اجتماعی بدل شد. امکان ایجاد کانال در این فضا، برد ارتباطی این شبکه را افزایش داده است و به این دلیل در آن پیام‌های گوناگون و متفاوتی ردوبدل می‌شود که البته هم می‌شود این روند را مثبت ارزیابی کرد و هم منفی. مثبت است از آن جهت که امکان ارتباط ایجاد می‌کند و پیام‌های مفید، مثبت و مؤثر در آن ردوبدل می‌شود؛ پیام‌هایی مانند پیام‌های اخلاقی، پیام‌های علمی، ارزشی، فرهنگی و اجتماعی. اطلاعات عمومی در این فضا به شکل گسترده‌ای ردوبدل می‌شود و این فرصتی است که تلگرام پیش‌روی کاربران قرار داده تا تولید محتوا در این سطح و حجم و اندازه صورت بگیرد و البته به‌سرعت هم منتشر، مبادله، بازتولید و بازنشر شود. تلگرام توانسته است ارتباطات مؤثری میان شهروندان در نقاط مختلف ایران و جهان و بین کاربران ایرانی و غیرایرانی و... برقرار کند. تلگرام به‌خصوص برای نسل جوان فرصت‌های تازه‌ای را پدید آورده است. درعین‌حال این فضا تهدیدهایی هم با خود دارد که بخشی از آن وابسته به کاربران است؛ بستگی از آن جهت که چه اندازه پیام‌های تولیدی آنها واقعی، صادقانه، درست و دقیق باشد یا اینکه به نوعی سوءاستفاده از ظرفیت ارتباطی کانال‌ها روی بیاورند. چندی پیش برنامه‌ای می‌دیدم که نشان می‌داد در سال ۲۰۱۵، چه تعداد تصویر جعلی در فضاهای مجازی در دنیا منتشر شده که غیرواقعی‌بودن آنها بعدا مشخص شده است. برای مثال در جایی عکسی از زلزله مکزیک به‌جای زلزله هائیتی منتشر شده بود. بالطبع در فضایی مانند تلگرام نیز چنین مواردی به‌وفور رخ می‌دهد و از آنجا که در ایران تعداد کاربران و تراکم آنها و تولید پیام بیشتر است، ممکن است تولید مطالب جعلی نیز فراوان باشد. درهرحال ما شاهد بی‌اخلاقی‌هایی در فضای مجازی از جمله در تلگرام هستیم؛ همچنان‌که در فضای واقعی جامعه هم شاهد این بی‌اخلاقی‌ها هستیم.

✎ به‌هرحال گوشی‌های هوشمند استفاده از ابزارهایی مثل تلگرام را بسیار آسان کرده‌اند به‌طوری‌که نسل‌های مختلف از این ابزار به‌سادگی استفاده می‌کنند. آیا دسترسی این قدر ساده به اطلاعات می‌تواند کارا باشد؟

هرچه راه‌های ساده‌تری برای دسترسی به اطلاعات پیدا شود خوب است ولی همه ماجرا این نیست. درواقع بخش قابل‌توجهی از کاربران تلگرام به چیزهایی به‌سادگی دسترسی پیدا می‌کنند که در عرف جامعه ایران و حتی در میان جوانان چندان اخلاقی نیست. این‌جور است که بارها مشاهده کرده‌ام بسیاری از جوانان هنگامی که صفحاتی در شبکه‌ها و چنین فضاهایی ایجاد می‌کنند برای جلویگیری از توهین و تحقیر و پرده‌دری، پروتکل‌هایی تدوین می‌کنند. به‌طورقطع ایجاد این پروتکل‌ها در نتیجه مشاهده مواردی بوده که ناقض اخلاق و عرف به‌شمار می‌رفته است.

✎ در نهایت به اعتقاد شما استفاده شهروندان از ابزارای مانند تلگرام توانسته است به گردش آزاد اطلاعات در جامعه‌ای که به‌هرحال در رسانه‌های آن انواع و اقسام فیلترها به چشم می‌خورد، منجر شود؟

پاسخ صریح من «نه» است. کافی است جست‌وجویی اجمالی در فضای پیام‌های تلگرام داشته باشید تا دریابید بخش قابل‌توجهی از اطلاعات منتشرشده